

اُبرابود وبعدها رهبر ارشد گروه کُر در کنیسه‌ای در فزانن اشتراسه در برلین شد. ایلسه که به بازیگری علاقه داشت در تئاتر Deutsches برلین تحت‌نظر مکس راینهارت (کارگردان و بازیگر اثریشی) آموزش دید. او توانست در فیلم مشهور «متروپولیس» به کارگردانی فریتس لنگ نقش کوچکی بازی کند. او یک زن برلینی آراسته و گیرایی بود که زندگی دوگانه‌ای را پیش می‌برد. او کاملاً آلمانی بود و از مدارک جعلی استفاده کرد تا بیش از ۴۰۰ یهودی و زندانیان سیاسی را از «اردگاه کار اجباری زاکسن‌هاوزن» در شمال برلین، آزاد کند.

پسر ایلسه، پدر جیسون استنلی در سال ۱۹۲۲ به دنیا آمد و در کودکی راهپیمایی «جوانان هلتری» (سازمان شبه‌نظامی در آلمان نازی که برای پسران جوان ۱۴ تا ۱۸ سال و دختران ۱۰ تا ۱۸ سال تشکیل شد) را از بالکن خانه پدر بزرگ و مادر بزرگش رو به خیابان معروف Kurfürstendamm (معروف به شانزده لیزه برلین) را تماشا می‌کرد. او از دیدن مشعل‌ها، پرچم‌ها و یونیفرم‌ها به‌وجد می‌آمد و درخواست کرد تا به آنها ملحق شود. او در آتش سوختن کنیسه خیابان فزانن اشتراسه را دید که در «شب بلورین» یا «شب شیشه‌های شکسته» شبی که به پنهان یهودی بودن عامل سوء قصد به از نشت فهم‌رات، منشی سفارت آلمان در پاریس، به خانه‌ها، مغازه‌ها و کنیسه‌های یهودیان در لایپزیک و دیگر شهرهای آلمان حمله شد و در خودروی گوستاو گروندجنز، آشنای مادرش پناه گرفت. نازی‌ها به‌شدت او را کتک زدند که تا آخر عمرش به بیماری سرع دچار شد. سال ۱۹۳۰، همسر ایلسه، ویولن نواز، ویزای بریتانیا را دریافت کرد، همسر و پسر خود را در برلین جا گذاشت. پسرش هفت‌ساله بود که به‌همراه مادرش که منتظر صدور ویزای آمریکایی‌اشان بودند و باید در پناهگاه‌ها مخفی می‌شدند. پس از جنگ، پسر استاد جامعه‌شناسی شد و تا آخر عمر تحقیق کرد که چگونه جوامع شیطنانی می‌شوند. شباهت‌های جیسون استنلی به پدرش شگفت‌انگیز است. ۶ سال پیش استنلی کتاب «فاشیسم چگونه کار می‌کند: سیاست‌های ما و آنها» را در آمریکا منتشر کرد. ترجمه آلمانی آن ۲ ماه پیش منتشر شد که استنلی را از زده خاطر می‌کند. او همچنان شهروندی آلمان را دارد و می‌گوید به‌رغم تمام اتفاق‌ها عاشق این کشور است. پس فاشیسم چگونه کار می‌کند؟ استنلی می‌نویسد، فاشیسم امروزی مکتب فکری رهبری است که در آن تولد دوباره در کشوری بی‌آبرو را وعده می‌دهد. بی‌آبرو چون مهاجران، چپ‌گرایان، لیبرال‌ها، اقلیت‌ها، همجنس‌گرایان و زنان رسانه‌ها، مدارس و نهادهای فرهنگی را در دست گرفته‌اند. استنلی استدلال می‌کند، رژیم‌های فاشیستی کل خود را به‌عنوان جنبش‌ها و احزاب اجتماعی و سیاسی شروع می‌کنند و تمایل دارند به‌جای براندازی دولت‌های کنونی، در انتخابات رای آورند.

▼ **استنلی ۱۰ مشخصه فاشیسم را توصیف می‌کند.**

**اول:** هر کشور باورهای خود را دارد، روایت خود از گذشته باشکوه. نسخه فاشیست اسطوره ملی یا این حال به عظمت و قدرت نظامی نیاز دارد.

**دوم:** پروپاگاندا ی فاشیست، مخالفان سیاسی را به‌عنوان تهدیدی برای موجودیت و سنت‌های کشور نشان می‌دهد. «آنها» علیه «ما». اگر «آنها» قدرت را به‌دست بگیرند، به‌معنای پایان کشور است. **سوم:** در سست و غلط را رهبر تعیین می‌کند. علم و واقعیت چالش‌هایی در برابر اختیارات رهبر دیده می‌شوند و دیدگاه‌های کمابیش متفاوت، تهدید به‌شمار می‌روند.

**چهارم:** فاشیسم دروغ می‌گوید. حقیقت قلب دموکراسی است و دروغ‌ها دشمن آزادی، به‌آنها یی که دروغ گفته می‌شود نمی‌توانند آزادانه و منصفانه رای دهند. آنها یی که می‌خواهند قلب دموکراسی را از جا در بیاورند باید مردم را به‌دروغ عادت دهند.

**پنجم:** فاشیسم به سلسله مراتبی وابسته است که بزرگترین دروغ آن را نشان می‌دهد. مثلاً نژادپرستی دروغ است. هیچ گروهی، هیچ مذهبی، هیچ قومیتی و هیچ جنسیتی نسبت به دیگری برتری ندارد. **ششم:** آنها یی که به سلسله مراتب و برتری خود اعتقاد دارند به‌راحتی نگران و مضطرب می‌شوند که موقعیت خود را در این سلسله مراتب از دست بدهند. فاشیسم، دنبال کنندگان خود را قربانیان برابری می‌داند. مسیحیان آلمانی قربانیان یهودیان اند. سفیدپوستان آمریکایی قربانیان حقوق برابر با سیاه‌پوستان آمریکایی هستند. مردان قربانیان فمینیسم.

**هفتم:** فاشیسم نظم و قانون را تضمین می‌کند. رهبر، نظم و قانون را تعیین می‌کند. او همچنین تعیین می‌کند چه کسی از نظم و قانون سرپیچی می‌کند، حق یا چه کسی است و حق را می‌توان از چه کسی گرفت.

**هشتم:** فاشیسم نگران تنوع جنسیتی است. فاشیسم به ترس‌ها از افراد ترنس و همجنس‌گرا دامن می‌زند که حقیقتاً دنبال زندگی خود نیستند اما می‌خواهند زندگی «افراد نرمال» را نابود کنند و کودکان‌شان را هدف قرار دهند.

**نهم:** فاشیسم از شهرها متنفر است، آنها را مکان انحطاط و خانه طبقه‌الیت، مهاجران و جرم و جنایت می‌داند. **دهم:** فاشیسم باور دارد که کار کردن شمارا آزاد می‌دهد. ایده پشت آن این است که اقلیت‌ها و چپ‌گرایان ذاتاً تنبل اند.

استنلی می‌گوید، اگر تمام ۱۰ مورد اعمال شود، شرایط نسبتاً خطرناک می‌شود. فاشیسم به مردم می‌گوید که با مبارزه وجودی مواجه‌اند: خانواده و فرهنگ شما در خطر است. سنت‌های شما و وعده فاشیست‌ها این است که آنها را نجات خواهند داد.

استنلی می‌گوید فاشیسم در آمریکا سنت دیرینه‌ای دارد که به قرن پیشین برمی‌گردد. او می‌گوید گروه کو کلاکس کلن اولین جنبش فاشیستی در تاریخ است: «این فرض اشتباه است که سنت فاشیسم واقعاً از بین رفته است.»

استنلی می‌گوید این سنت را هنوز می‌توان در این حقیقت دید که فرهنگ دموکراتیک هیچ‌وقت نمی‌تواند در جنوب آمریکا توسعه پیدا کند. نتیجه آن انتصاب ناظران انتخاباتی در ایالت جورجیا بود که احتمالاً در برابر تلاش‌های مکرر حامیان ترامپ برای دستکاری

پنجشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۳  
سال سوم • شماره ۶۰۲  
www.hamhianonline.ir

۹

میهن‌بین

انتخاباتی نمی‌ایستند. استنلی می‌گوید: «ترامپ فقط ۴ سال دیگر را در کاخ سفید نمی‌گذراند که بعد از آن ناپدید شود. این انتخابات‌ها نرمال نیستند. می‌تواند آخرین (انتخابات) باشد.» برخی از دوستان استنلی معتقدند که او واکنش بیش از حدی نشان می‌دهد. برای جمهوری خواهان متخاصم، او احتمالاً ملغمه‌ای از تمام کابوس‌هایشان است، یکی از آن استادان چپ‌گرایان شرق آمریکا که سمینارهایی را درباره تئوری رقابت مهم و سخنرانی‌هایی را به عنوان استاد مهمان در کی‌یف درباره استعمار و نژادپرستی برگزار می‌کند.

▼ **آیا پوتین فاشیست است؟**

تیموتی اسنایدر متفکرانه و آرام ولی با اعتمادبهنفس فراوان صحبت می‌کند. پوتین فاشیست است. ترامپ فاشیست است. تفاوت آنها این است که یکی قدرت را در دست دارد و دیگری نه؛ هنوز نه. اسنایدر می‌گوید: «مشکل فاشیسم این است که در مدلی که می‌خواهند حضور ندارد. ما دکترین سیاسی می‌خواهیم که تعریف‌های واضحی داشته باشد. نمی‌خواهیم آنها متناقض یا منطقی باشند.» اومی‌گوید با این حال، فاشیسم زمانی که مربوط به درک گذشته و امروز می‌شود، در دست‌بندی مهمی قرار دارد، چون تفاوت‌ها را آشکار می‌کند. اسنایدر می‌گوید پوتین ۱۵ سال است در سخنانش از گفته‌های متفکران فاشیست مثل ایوان ایلین می‌آورد. او در ادامه می‌گوید، رئیس‌جمهور روسیه جنگی را به‌راه انداخته که به‌وضوح انگیزه‌های فاشیستی داشته است. کشوری را مورد هدف قرار داد که پوتین شهروندان آن را در چه دوم می‌داند و کشوری است که به باور او هیچ حقی برای موجودیت ندارد. پوتین تقریباً حمایت جامعه تقریباً بسیج‌شده را دارد. اسنایدر می‌نویسد، یک مکتب فکری اطراف رهبر را فرا گرفته، مکتب فکری (فرقه) اطراف آنها یی است که در نبردهای پیشین سقوط کرده‌اند و اسطوره‌ای از یک امپراطوری طلایی که باید از طریق خشونت پاکسازی جنگ‌بازسازی شود. اسنایدر در مطلبی که در می ۲۰۲۲ در نیویورک تایمز نوشت، می‌گوید یک مسافر زمان از دهه ۱۹۳۰ رژیم پوتین را فوراً فاشیستی شناسایی می‌کند. سمبل‌ها، تجمعات، گورهای دسته‌جمعی. حمله پوتین به اوکراین مثل حمله هیتلر به اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک قدرت امپراطوری است. اما مورخان می‌گویند نسخه فاشیسم پوتین همچنین مشخصه‌های پست‌مدرنیسم دارد. پست‌مدرنیسم تصور می‌کند که چیزی به‌نام حقیقت وجود ندارد و اگر هیچ حقیقتی وجود ندارد پس می‌توان به همه چیز برچسب حقیقت زد. مثلاً این «حقیقت» که اوکراینی‌ها علاوه بر اینکه یهودی و همجنس‌گرا هستند، نازی‌هم هستند. تصمیم اینکه حقیقت چیست و چه کسی آن را تعریف می‌کند در میدان جنگ گرفته می‌شود.

پیروزی پوتین چیزی بیشتر از پایان اوکراین دموکراتیک است. اسنایدر نتیجه می‌گیرد «اگر اوکراین مقاومت نمی‌کرد، بهار تاریکی برای دموکرات‌ها در سراسر جهان رقم خواهد زد. اگر اوکراین برنده نشود، می‌توان انتظار دهه‌ها تاریکی را داشت.»

اگر ترامپ در انتخابات برنده شود، او معتقد است که مقاومت سازمان‌دهی شده نتیجه آن خواهد بود. آیا ترامپ برای سرکوب ناآرامی‌ها از اف‌بی‌آی یا حتی ارتش را می‌فرستد؟ چه اتفاقی برای نهادهای دولتی می‌افتد؟ اسنایدر معتقد است اقتصاد سقوط می‌کند و سازمان‌هایی مانند اف‌بی‌آی و ارتش بر اثر درگیری‌ها دچار فروپاشی می‌شود. اسنایدر می‌نویسد، چند هفته پیش، اسنایدر در پلتفرم خبرنامه Substack نوشت: «دیکتاتوری پیرمرد شامل برنامه‌ریزی مراسم تشییع جنازه است.» اسنایدر استدلال می‌کند که از مرگ در زندان یا کشته‌شدن توسط مخالفانش می‌ترسد، خودکامگی‌ها همیشگی نیستند و شکست خودکامه‌ها به پایان آنها مرتبط است. اما چگونه ظهور ترامپ در وهله اول امکان‌پذیر شد؟ چگونه ممکن است یک دموکراسی اینقدر عمیق در بی‌منطقی فرو رود؟ اسنایدر می‌گوید اول اینکه ترامپ حرفه خود را روی بلوف بنا کرده. او استدلال می‌کند که ترامپ هیچ‌وقت یک تاجر موفق نبوده و موفقیت خود را فقط به‌عنوان یک سرگرم‌ساز، یک شخصیت تلویزیونی به‌دست آورده است. او می‌داند چه کاری کند تا مردم را جلب کند که به‌گفته اسنایدر پیش‌نیاز مهمی برای یک رهبر کاریزماتیک در حال رشد است. همین استعداد است که او را در پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی موفق می‌کند، جایی که احساسات تنها چیزی است که اهمیت دارد، احساس «آنها یا ما».

دوم: اسنایدر می‌گوید، شبکه‌های اجتماعی قابلیت‌های ادراکی ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. محققان در واقع استدلال می‌کنند، آنها هم مقداری زمینه‌های فاشیستی دارند چون توانایی ما را برای تبادل نظرات به‌روشنی منطقی از بین می‌برند. آنها ما را بی‌قرارتر می‌کنند و همه چیز سیاه یا سفید می‌شود. آنها تایید می‌کنند که ما درست می‌گوییم حتی اگر مواضع ما عیناً نادرست باشند. آنها سیکلی از خشم را ایجاد می‌کنند. خشم، خشم را تایید می‌کند، و خشم خشم تولید می‌کند. سوم: اسنایدر می‌گوید مارکسیست‌های دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ معتقد بودند که فاشیسم صرفاً نوع دیگری از کاپیتالیسم است، اینکه الگارش‌ها ظهور هیتلر را در وهله اول امکان‌پذیر می‌کند. اما اسنایدر می‌گوید، این موضوع درست نیست. کسب و کارهای بزرگ البته از قدرت گرفتن هیتلر حمایت کردند چون آنها امید داشتند اومی‌تواند آنها را از شر اتحادیه‌های کارگری خلاص کند. اما بیشتر الگارش‌ها از ایده‌های او حمایت نکردند. اسنایدر اشاره می‌کند یکی از الگارش‌های جدید ایلان ماسک است. اومی‌گوید هیچ‌کس به‌اندازه او در یک سال و نیم گذشته برای توسعه فاشیسم اقدام نکرده است. اسنایدر می‌گوید، اوتوئیتر را و ایکس را گرفت. پلتفرمی که هم‌اکنون هیجانی‌تر شده است، در برابر انواع پلیدی‌ها به‌ویژه پروپاگاندا ی روسیه‌پذیرتر شده است. اسنایدر می‌گوید، ماسک از این پلتفرم استفاده می‌کند تا تئوری‌های توطئه‌نفرت‌انگیزتری را منتشر کند. اسنایدر هم همانند رابرت کاگان معتقد است که دموکراسی خطر فاشیسم را دست‌کم گرفته است چون باورها مدت‌ها بر این بود که هیچ گزینه‌ای برای دموکراسی وجود ندارد.

رویداد



## واکنش‌ها به انفجار پیجرها

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به تشدید تنش در منطقه پس از انفجار پیجرها در لبنان ابراز نگرانی کرد.

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت که اتحادیه اروپا انفجار پیجرها در لبنان را حملاتی می‌داند که منجر به تلفات ناآدلانه‌ای شد.

بورل در بیانیه‌ای گفت: هزاران نفر مجروح شدند - صدها نفر در وضعیت بحرانی هستند - بیمارستان‌ها در حال فروپاشی هستند. حتی اگر به نظر برسد که حملات هدفمند بوده، خسارات جانبی سنگین و بی‌رویه در میان غیرنظامیان از جمله کودکان در میان قربانیان داشته است.

این دیپلمات گفت: این انفجارها امنیت و ثبات لبنان را به خطر می‌اندازد و خطر تشدید تنش در منطقه را افزایش می‌دهد. در این بیانیه آمده است: اتحادیه اروپا از همه طرف‌های ذی‌نفع می‌خواهد از یک جنگ همه‌جانبه جلوگیری کنند که پیامدهای سنگینی برای کل منطقه و فراتر از آن خواهد داشت. اتحادیه عرب، اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در منفجر کردن همزمان دستگاه‌های پیجر در لبنان را که چندین شهید و هزاران زخمی بر جای گذاشت، به شدت محکوم کرد.

«جمال رشدی» سخنگوی «احمد ابوالغیط» دبیرکل اتحادیه عرب به نقل از او، اقدام تروریستی اخیر رژیم صهیونیستی در لبنان با انفجار دستگاه‌های پیجر را به شدت محکوم کرد. ابوالغیط همچنین درباره پیامدهای این تنش خطرناک علیه کشور و ملت لبنان که با اظهارات بی‌پروای سران رژیم صهیونیستی درباره گسترش دامنه جنگ در جبهه شمالی با لبنان همراه بوده و خطر جدی انفجار اوضاع در منطقه را در پی دارد، به شدت هشدار داد.

دبیرکل اتحادیه عرب در ادامه نیز همبستگی کامل خود را با دولت و ملت لبنان در مواجهه با این تعرض آشکار به حاکمیت و امنیت لبنان اعلام و تاکید کرد: شورای امنیت باید به مسئولیت‌های خود در مقابله با تهدیدهای مستمر و گستاخانه اسرائیل علیه امنیت و صلح منطقه عمل کند.

سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز گفت که مسکو انفجار پیجرها در لبنان که به شهادت و مجروحیت شمار زیادی از شهروندان این کشور شد را اقدام تروریستی و یک جنگ ترکیبی می‌داند و چنین اقداماتی را محکوم می‌کند.

«اریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه روز چهارشنبه در بیانیه‌ای گفت: ما حمله بی‌سابقه به لبنان و شهروندان آن را که نقض فاحش حاکمیت این کشور است و یک چالش جدی برای قوانین بین‌المللی با استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف است، به شدت محکوم می‌کنیم.

زاخارووا گفت: این یک اقدام تروریستی است که تعداد زیادی کشته و مجروح به‌جا گذاشته است. وی تاکید کرده است: ما آنچه را که اتفاق افتاد به‌عنوان یک جنگ ترکیبی دیگر علیه لبنان می‌دانیم که هزاران انسان بی‌گناه را تحت تأثیر قرار داد.

به نظر می‌رسد سازمان‌دهندگان این حمله با فناوری پیشرفته به‌عمد به دنبال تحریک یک رویارویی مسلحانه گسترده بوده و به دنبال ایجاد یک جنگ بزرگ در خاورمیانه بودند. این دیپلمات گفت که مسکو معتقد است انفجارهای پیجرها در لبنان مملو از پیامدهای بسیار منفی در میان تنش‌های لبنان و اسرائیل است.

زاخارووا گفت: ما از همه طرف‌های درگیر می‌خواهیم که خویشتنداری کنند و از اقداماتی که تهدیدی برای بی‌ثباتی بیشتر اوضاع نظامی و سیاسی در منطقه خاورمیانه است، دست بکشند. او تاکید کرد که انفجار گسترده پیجرها در لبنان مستلزم تحقیق و توجه بین‌المللی به این موضوع است.

